

پژوهش‌نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۶۹-۱۰۰

عوامل و زمینه‌های تقویت اخلاق کار از دیدگاه امام علی (ع)

محمدعلی مشایخی‌پور*

عبدالهادی فقهی‌زاده**، محمود واعظی***

چکیده

اهتمام و توجه قرآن به اخلاق و تأکید پیامبران عظام و ائمه اطهار(ع) بر متخلق شدن به آن در تمامی شئون زندگی، از نقش بی‌بدیل اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی انسان حکایت دارد. بر این اساس، توجه و به‌کارگیری آن در همه عرصه‌های زندگی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. کار نیز به واسطه ارتباط تنگاتنگ با اخلاق، به نتایج مطلوب و شایسته منتهی نخواهد شد مگر اینکه اصول و معیارهای اخلاقی مرتبط با آن مدنظر قرار گیرد. در این میان، عواملی هم در تقویت اتخاذ چنین رویکردی مؤثرند. در این مقاله سعی شده است با استناد به آیات و روایات و به‌ویژه با تکیه بر کلمات گهربار امام علی(ع)، این عوامل شناسایی و تجزیه و تحلیل شود.

کلیدواژه‌ها: اصول، عوامل، اخلاق کار، نهج‌البلاغه، امام علی(ع).

۱. مقدمه

بی‌تردید، بازسازی و تعالی شخصیت معنوی آدمی، هدف اصلی همه رسولان الهی بوده است. در قاموس مصلحان آسمانی، برای علومی که بی‌واسطه در خدمت این آرمان مقدس

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)
m.mashayekh68@yahoo.com

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران feghhizadeh@gmail.com

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران vaezi@icho.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۵/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۸

۷۰ عوامل و زمینه‌های تقویت اخلاق کار از دیدگاه امام علی (ع)

نباشند، کارکردی ابزاری تصویر شده است. هر پژوهشگر حقیقت‌جو با اندک کاوشی در منابع اولیه اسلام، اخلاق محوری را در تاروپود تعالیم آن آشکارا نظاره خواهد کرد؛ زیرا اعتلا و سعادت انسان در گرو پابندی و آراستگی به اخلاق الهی است، تا آنجا که پیامبر اکرم (ص) هدف از بعثت خود را تکمیل مکرمات‌های اخلاقی بیان کرده‌اند.

«کار» به آن دسته از فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که با هدف کسب درآمد و رفع نیازهای فردی و اجتماعی انجام می‌شود. یکی از حوزه‌های اخلاق، «اخلاق کاربردی» است که رسالت تحلیل و بررسی ریشه‌ای مسائل اخلاقی را برعهده دارد و راه تشخیص تکالیف اخلاقی و بررسی شیوه تحقق آنها در حوزه‌های خاص زندگی است.

یکی از زیرشاخه‌های «اخلاق کاربردی» نیز «اخلاق کار» است که جایگاه ویژه‌ای دارد، چراکه آدمی در هر کاری نیازمند رعایت دسته‌ای از بایدها و نبایدهای اخلاقی است که بدون رعایت آنها به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.

امام علی (ع) با علم به قرآن و سنت نبوی، با درایتی واقع‌بینانه، آموزه‌های ارزشمندی در زمینه اخلاق کار عرضه کرده‌اند. استخراج و دسته‌بندی کاربردی این رهنمودها از سخنان آن امام همام (ع) با هدف شناساندن مبانی حضرت (ع) در اخلاق کار، بسیار مفید است.

از این رو، در این مقاله، ابتدا برخی از معیارها و اصول اخلاق کار در کلام امام علی (ع) تشریح و سپس بعضی از عوامل و زمینه‌های تقویت اخلاق کار با تفصیل بیشتر بیان می‌شود؛ تا از این رهگذر، بستر مناسبی برای بروز و ظهور معیارها و اصول اخلاق کار آنها فراهم شود.

۲. مفهوم‌شناسی اخلاق

اخلاق جمع «خُلُق» و «خُلُق» (به معنای «سجیه»، «سرشت»، «طبیعت»، «عادت»، «خوی» و مانند اینها) است (ابن منظور، ۱۴۰۴: ۱۰/۸۶؛ الفیومی، ۱۳۷۵: ۸۸؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴/۱۵۱). راغب در *المفردات* نوشته است:

دو واژه «خُلُق» و «خُلُق» در اصل یکی است؛ اما «خُلُق» به هیئت‌ها و شکل‌ها و صورت‌های ظاهری اختصاص دارد که با چشم دیده می‌شود و «خُلُق» به نیروها و سجایای باطنی اطلاق می‌شود که با چشم دل مشاهده می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/۲۹۶)

دانشمندان اخلاق، این واژه را در معانی متعددی به کار برده‌اند. یکی از رایج‌ترین این معانی عبارت است از:

محمدعلی مشایخی‌پور و دیگران ۷۱

صفات یا ملکات نفسانی که در نفس انسان رسوخ کرده و پایدار شده باشد و باعث شود کارهای متناسب با آن صفات به‌طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان صادر شود. (ابن مسکویه، ۱۳۷۱: ۳۶؛ نراقی، بی‌تا: ۵۵ / ۱)
به عبارت دیگر:

همان‌طور که صاحبان صنعت‌ها و حرفه‌ها کار خود را به‌آسانی انجام می‌دهند، صاحبان ملکات فاضله و رذیله هم کار خوب یا بد را به‌سهولت انجام می‌دهند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۰ / ۷۳)

گاهی نیز واژه اخلاق به فلان کار یا رفتار متناسب با فضایل یا رذایل اطلاق می‌شود و لو اینکه آن رفتار نه برخاسته از ملکه نفسانی بلکه رفتاری موقتی و گذرا باشد. (هاشمی، ۱۳۸۸: ۳۰)

بدیهی است که در این تعریف، اصطلاح «اخلاق» نه تنها به صفات و ملکات پایدار انسانی بلکه به هر صفتی چه پایدار و چه ناپایدار اطلاق می‌شود که منشأی کارهای نیکو و پسندیده یا کارهای بد و ناپسند باشد.

۳. علم اخلاق

با مراجعه به منابع اصیل اسلامی در علم اخلاق و با دقت در موارد کاربرد آن در قرآن و احادیث، علم اخلاق را می‌توان چنین تعریف کرد:

علم اخلاق، علمی است که در آن، صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آنها معرفی و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام دادن اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند نشان داده می‌شود. (ابن مسکویه، ۱۳۷۱: ۲۷؛ طوسی، بی‌تا: ۴۸؛ نراقی، بی‌تا: ۲۶ / ۱؛ شیرازی، بی‌تا: ۱۱۶ / ۴)

براساس این تعریف، در علم اخلاق علاوه بر بحث درباره صفات نفسانی خوب و بد، اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آنها و نیز راهکارهای رسیدن به فضیلت و دوری از رذیلت‌ها هم بررسی می‌شود.

یکی از عناصر مهم تحلیل رفتارها، تشخیص هدف است. در آموزه‌های اسلامی، هدف غایی تربیت اخلاقی، قرب به خدای متعالی و لذت حاصل از این قرب یا گریز از الم حاصل از دوری پروردگار معرفی و بین این دو رابطه تنگاتنگی برقرار شده است. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید:

واعلم أنّ ما قرّبك من الله يباعدك من النار و ما باعدك من الله يقربك من النار.
(نهج البلاغه، بی تا: ۴۶۵)

و بدان آنچه تو را به خدا نزدیک می‌سازد، از آتش جهنم دور می‌کند و آنچه تو را از خدا دور می‌سازد، به آتش جهنم نزدیک می‌کند.

هدف‌گزینی قرب الهی در اخلاق تربیتی اسلام، تأثیر به‌سزایی در کل گستره رفتاری انسان دارد. بر این اساس، برای نیل به این هدف، باید هر آنچه که انسان را به این هدف نزدیک می‌کند، مدنظر قرار گیرد و به آن عمل شود. اخلاقیات مورد نیاز در هر زمینه از زندگی انسانی، در آموزهای دین مبین اسلام تشریح شده است.

هدف علم اخلاق این است که انسان را به کمال و سعادت حقیقی خود - که هدف اصلی خلقت جهان و انسان است - برساند؛ به عبارت دیگر، غایت علم اخلاق، مصون‌داشتن سلوک و رفتار انسان‌ها از خطاها و انحرافات است، به‌نحوی که در افعال و مقاصدش تعدیل و از تقلیدهای کورکورانه و هواهای نفسانی دور باشد. (مغنیه، ۱۳۸۷: ۱۲)

۴. مفهوم‌شناسی کار

«کار» را در لغت، به «عمل»، «فعل» و «کردار» انسان معنا کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۳۶: ۴۰/۱۰۷). «کار» در اصطلاح عبارت است از آنچه از شخص صادر شود و شخص خود را به آن مشغول سازد. معادل‌های دیگر این واژه عبارت‌اند از «عمل»، «فعل»، «شغل». (همان)

در تعریفی دیگر، کار مجموعه عملیاتی است که انسان با استفاده از مغز، دست‌ها، ابزار و ماشین‌ها برای استفاده عملی از ماده روی آن انجام می‌دهد و این اعمال نیز متقابلاً بر انسان اثر می‌گذارد و او را تغییر می‌دهد. (توسلی، ۱۳۸۱: ۱۰)

بنابراین، کار سه ویژگی دارد: ۱. کار مبتنی بر فعالیت فکری و بدنی است، ۲. با کار، کالایی تولید یا خدمتی عرضه می‌شود، ۳. در برابر کار، دستمزدی پرداخت می‌شود. شایان ذکر است که آنچه به‌عنوان «کار» در این مقاله از آن یاد شده، کاری است که به گونه‌ای شغل و منبع درآمد و کسب فرد تلقی می‌شود.

۵. اخلاق کار

اخلاق کار، یکی از موضوعات اخلاق کاربردی است که در دهه‌های اخیر بیشتر متفکران

غربی آن را مطرح کرده‌اند و یکی از زمینه‌های دانش مدیریت به‌شمار می‌رود. اخلاق کار را «خلق و خوی، علم معاشرت، قواعد و دستور رفتار انسانی» معنا کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۳۶: ۴۰/۱۰۷)؛ و در تعریفی دیگر از اخلاق کار آمده است:

اخلاق کار، متعهدشدن توان ذهنی، روانی و جسمانی فرد یا گروه به اندیشهٔ جمعی در جهت اخذ قوا و استعداد درونی گروه و فرد برای توسعه به هر نحو است. اخلاق کار، مهم‌ترین عامل فرهنگی در توسعهٔ اقتصادی محسوب می‌شود. (تودار، ۱۳۶۴: ۵۶)

اخلاق کار به حوزه‌ای از فرهنگ اطلاق می‌شود که عقاید و ارزش‌های مربوط به کار را دربر می‌گیرد و قابل شناسایی است (معیدفرد، ۱۳۸۰: ۲۵) و طبعاً از قواعد کلی حاکم بر فرهنگ و جامعه پیروی می‌کند.

وجه مشترک همهٔ این تعاریف، به میدان عمل آوردن اخلاقیاتی است که از فطرت پاک انسانی برخاسته است. توجه به قوانین و مقررات وضعی و معیارها و اصول منبعث از آموزه‌های اسلامی در کار و توصیه به انجام‌دادن کار به‌نحو مطلوب، همان رعایت‌کردن اخلاق در حیطة کار و عمل است.

به عبارت دیگر، جوهرهٔ اخلاقی‌بودن یک عمل، در اوصاف آن به خوبی و بدی است و نشانهٔ این خوبی و بدی در فرهنگ اسلامی، ترتب ثواب و عقاب آخرتی بر آن است، چه آثار مفید یا زیانبار دنیایی داشته باشد چه نداشته باشد. براساس این تلقی از مسئلهٔ اخلاقی، قلمروی اخلاق فقط به صفات و ملکات نفسانی منحصر نیست، بلکه ساحت‌های اندیشه و رفتار آدمی را نیز دربر می‌گیرد و دربارهٔ آن از منظری اخلاقی داوری می‌کند. درواقع این قسم از اخلاق همان چیزی است که قدما به آن «اخلاق عملی» می‌گفتند (هادوی‌نیا، ۱۳۸۲: ۲۳۵).

بر این اساس، آنچه امروزه به‌عنوان اخلاق کار یا حرفه مصطلح شده، درواقع همان بایدها و نبایدها و همان الزاماتی است که در آموزه‌های الهی دربارهٔ کسب و کار، به رعایت و به‌کارگیری آنها دستور داده شده است، تا ضمن برخورداری از نتیجهٔ مطلوب و شایسته، به پاداش اخروی مترتب بر آن نایل شویم. تأکید فراوان آیات و روایات بر به‌دست‌آوردن کسب حلال و قراردادادن آن در زمرهٔ برترین عبادات و روایات فراوان دیگر، گویای این واقعیت است که رعایت دستورات الهی در کار و به‌کارگیری اصول و معیارهای آن باید چراغ روشنی فراروی ما باشد. این همان است که از آن با عنوان اخلاقیات حاکم بر کار یاد می‌شود. امام صادق(ع) می‌فرماید:

الكاد علی عیاله من حلال كالمجاهد فی سبیل اللّٰه. (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۶۸/۳)
کسی که برای [کسب روزی] خانواده‌اش، در [امر] حلالی بکوشد، همچون مجاهد در راه خدا است.

العبادة سبعون جزءاً أفضلها جزء طلب الحلال. (صدوق، ۱۴۰۶: ۱۸۰)
عبادت، هفتاد جزء دارد که بهترین آن، کسب روزی حلال است.

۶. ارتباط اخلاق با کار

نهادینه‌کردن اخلاق و تکامل خوی‌های نیک و ارزش‌های انسانی، از هدف‌های اصلی و اساسی نبوت و رسالت پیامبران راستین بوده است؛ چنان‌که تکمیل مکارم اخلاق، مهم‌ترین هدف بعثت پیامبر اکرم (ص) معرفی شده است:

انما بعثت لاتمم مكارم الاخلاق. (هندی، ۱۳۹۷: ۱۶/۳)
من تنها برای تکمیل فضایل اخلاقی مبعوث شده‌ام.

اهتمام و توجه قرآن به اخلاق و تأکید پیامبران عظام و ائمه اطهار (ع) بر متخلق شدن به آن، از نقش بی‌بدیل آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان حکایت دارد. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید:

فإن كان لا بد من العصبية فليكن تعصبكم لمكارم الخصال و محامد الأفعال و محاسن الأمور.
(نهج البلاغه، بی تا: ۲۹۵)

اگر بنا به تعصب باشد، تعصب شما باید برای صفات پسندیده و کردارهای شایسته و امور نیک باشد.

همچنین در بیانی دیگر می‌فرماید:

لو كنّا لارجو جنة و لانخشي ناراً و لاثوابا و لاعقابا لكان ينبغي لنا أن نطلب مكارم الأخلاق
فانها مما تدل علی سبيل النجاه. (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۹۳/۱۱)

اگر آمیدی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ و انتظار ثواب و عقابی نداشتیم، [باز هم شایسته] بود به سراغ فضایل اخلاقی برویم؛ زیرا آنها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند.

این احادیث به خوبی نشان می‌دهد که فضایل اخلاقی نه تنها سبب نجات در قیامت است، بلکه زندگی دنیا نیز بدون آن سامان نمی‌یابد! تجربه تاریخی بشر هم گویای آن است

که هر جامعه‌ای که از ارزش‌های اخلاقی فاصله بگیرد و از جهت نظری و عملی آن را پاس ندارد، متحمل خسارت‌های جبران‌ناپذیری می‌شود و شاهد فاجعه‌ی اسفبار انسانی خواهد بود و راه انحطاط خواهد پیمود.

اخلاق به حوزه‌ی خاصی محدود نیست، بلکه در تمامی حوزه‌ها و زمینه‌ها باید به آن توجه کرد؛ و فقط در این صورت است که اصول اخلاقی نتیجه‌بخش خواهد بود و تعالی و سعادت انسان را فراهم می‌سازد.

امام علی(ع)، در ادامه، این نکته را به زیبایی مدنظر قرار می‌دهند:

الَّتِي تَفَاضَلَتْ فِيهَا الْمَجْدَاءُ وَالنَّجْدَاءُ مِنْ بِيَوَاتَاتِ الْعَرَبِ وَ يَعَاسِبُ الْقَبَائِلَ. (نهج‌البلاغه، بی تا: ۲۹۵)

تعصباتان باید برای خصال والا و کارهای پسندیده باشد، که بزرگواران و دلیرمردان از خاندان‌های عرب و سروران و مهتران قبایل به آن خصال و صفات بر یکدیگر برتری می‌جستند.

اینها مواردی است که در آنها بزرگواران، دلاوران از خاندان برجسته عرب، مهتران قبایل، و شخصیت‌های مطرح سعی می‌کنند خود را به آنها متصف سازند؛ به عبارت دیگر، بهترین مسابقه، مسابقه در اخلاق است. جامعه‌ای سالم است که با ارزش‌ترین مسابقه در آن، در زمینه اخلاق باشد؛ چراکه اخلاق سرمایه اصلی اقوام و ملت‌ها و خمیرمایه تمدن و ستون فقرات زندگی اجتماعی سالم است. اخلاق، بهترین وسیله انسان در سیر الهی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۱/۷).

در مورد کار نیز با توجه به تأکید فراوان آیات و روایات در اهمیت آن در زندگی فردی و اجتماعی، ذکر همین نکته بس که خداوند سعادت و بهروزی بشر را در گرو کار می‌داند:

وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى. (نجم: ۳۹)

و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده است، [هیچ نصیب و بهره‌ای] نیست.

بنابراین، به دلیل اهمیت فراوان کار و گره‌خوردگی سرنوشت بشر به آن، توجه به اخلاقیات، امری بدیهی و ضروری است؛ به عبارت دیگر، به جهت ارتباط تنگاتنگ کار و اخلاق، کار بدون اخلاق به نتیجه مطلوب نمی‌رسد و انسان را به مقصد و سعادت حقیقی نمی‌رساند.

از دیدگاه امام علی(ع)، ارزش هر کار به اخلاقی بودن آن است نه به زیادی یا کمی آن:

لَا يَقِلُّ عَمَلُ مَعَ التَّقْوَى. (نهج‌البلاغه، بی تا: ۴۸۴)

هیچ عملی با پرواداری کم نیست.

و کیف یقل مایتقبل؟ (همان)

و چگونه کم به حساب آید آنچه نزد خدا پذیرفته می‌شود؟

عمل اخلاقی در عالم خواهد ماند، چراکه بر قوانین عالم منطبق است؛ اما عمل غیراخلاقی مخالف قوانین عالم است، رشد نمی‌کند و بالنده نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۷/۱):

والبلد الطیب یخرج نباته بإذن ربه ... (اعراف: ۵۸)

و سرزمین پاکیزه و نیکو، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید...

از دیدگاه امام علی (ع)، اگر مرزها و حدود ارزش‌های انسانی و الهی در کار محترم شمرده شود، کار نه تنها مباح، بلکه لازم و نوعی عبادت است؛ و در این حالت، کارگر، محبوب خدا خواهد بود:

إن الله عز و جل یحب العبد المحترف الأمين. (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۱۳/۵)

خداوند، اهل حرفه و پیشه امانتدار را دوست دارد.

تأکید بر اتقان و استحکام در کار، تعهدپذیری، محکم‌کاری و امانتداری، بیانگر نقش مهم و اساسی اخلاق در به‌ثمر رسیدن کار و تلاش است؛ چه، با رعایت اینها است که کار نتیجه‌بخش خواهد بود و سعادت دنیا و آخرت انسان را در پی خواهد داشت. شهید مطهری (رحمة الله علیه) در این باره نوشته است:

تفاوت کار اخلاقی با کار طبیعی در این است که کار اخلاقی در وجدان هر بشری دارای ارزش است؛ یعنی یک کار ارزشمند و گرانبها است و بشر برای خود این کار، قیمت قائل است؛ آن قیمتی هم که برایش قائل است، نه از نوع قیمت و ارزشی است که برای کار یک کارگر قائل است که ارزش مادی به اصطلاح ایجاد می‌کند بلکه یک نوع ارزش مافوق این ارزش‌ها است که با پول و کالای مادی قابل تقویم نیست. (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۳)

۷. معیارها و اصول اخلاق کار

برای آنکه کار به نتیجه مطلوب و شایسته برسد، باید به معیارها و اصول اخلاقی حاکم بر آن توجه شود؛ به بیان دیگر، تنها در سایه عمل به معیارها و اصول اخلاق کار است که کار به نتیجه مطلوب و شایسته منتج می‌شود. این موارد در دین اسلام تشریح و بر رعایت و به‌کارگیری آنها تأکید شده است.

۱.۷ خدامحوری

از منظر اسلام، هدف نهایی انسان، تکامل در پرتو نیل به قرب الهی است (مؤمنون: ۱۱۵، نجم: ۴۲، فجر: ۲۷ - ۳۰)، که در فطرت او نهفته است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۸۶)؛ از این رو، هدف نهایی نظام اقتصادی اسلام، فراهم کردن زمینه‌های لازم برای دستیابی افراد به کمال مطلوب است.

یکی از اصول و معیارهای لازم برای نیل به این هدف، محور قرار دادن خداوند در تمامی اقوال و افعال است؛ به این معنا که خدامحوری، جوهره اساسی رفتار و منش فرد را تشکیل دهد و در تمامی شئون زندگی و در همه دوران زندگی حضوری پررنگ داشته باشد، که این حضور هرچه پررنگ‌تر باشد، کارهای انسان بیشتر رنگ و بوی الهی به خود می‌گیرد و ارزشمندتر می‌شود.

امام علی (ع) — که قرآن ناطق و آگاه و آشنا با آفریدگار هستی و صفات و ویژگی‌های او است — کارگزاران خویش را به یاد خدا، خداگرایی و خدامحوری در تمامی شئون زندگی دعوت می‌کرد؛ از جمله به مالک اشتر — استاندار مصر — توصیه می‌فرماید:

أمره بتقوی الله، و إیثار طاعته، و اتباع ما أمر به فی کتابه: من فرائضه و سننه، التی لایسعد أحد إلا بتابعها، و لایشقی إلا مع جحودها و إضاعتها، و أن ینصر الله سبحانه بقلبه و یده و لسانه؛ فإنه جل اسمه، قد تکفل بنصر من نصره، و إعزاز من أعزه. (نهج البلاغه، بی تا: ۴۲۷)

او را به ترس از خدا فرمان می‌دهد، و اینکه اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد، و آنچه را در کتاب خدا آمده است، از واجبات و سنت‌ها، پیروی کند، دستوراتی که هیچ‌کس جز با پیروی از آنها رستگار نخواهد شد، و جز به انکار و ضایع کردن آنها بدبخت نخواهد شد. به او فرمان می‌دهد که خدا را با دل و دست و زبان یاری کند، زیرا خداوند پیروزی کسی را تضمین کند که او را یاری دهد، و بزرگ دارد آن کس را که او را بزرگ شمارد.

محور قرار دادن خدا یعنی اینکه بنده، آفریدن و فرمان دادن را از آن خداوند، عالم را محضر حق، و خدا را در رأس همه امور و ناظر بر کارها بداند، از نافرمانی خدا بپرهیزد، از غم دنیوی برهد و فقط به رضایت خدا بیندیشد، خود را وقف اجرای دستورات الهی کند، کردار خود را هم در نیت و هم در عمل خالصانه و به دور از ریا انجام دهد، و خداوند را همیشه مدنظر قرار دهد.

۲.۷ انضباط (discipline) کاری

نظام عالم، نظام تشکیلاتی منظمی است که تحت حاکمیت خداوند متعال قرار دارد (بقره: ۱۶۴، انعام: ۹۵ - ۹۹، ذاریات: ۲۰ - ۲۱، ملک: ۳ - ۴)، و کمترین درهم‌ریختگی و نابه‌سامانی و بی‌نظمی در آن وجود ندارد؛ تشکیلاتی که انسان در مسیر پیمودن کمال، باید با آن هماهنگ باشد، چراکه عالم تشریح همسو با عالم تکوین است.

نظم و انضباط در کارها، سفارش مکرر و مؤکد امام علی (ع) است. در نگاه آن حضرت (ع)، این آموزه به قدری مهم است که در بستر شهادت - که در آن هنگام، طبیعی است مهم‌ترین و ضروری‌ترین و کارآمدترین سفارش‌های خویش را فرموده باشند - بر نظم تأکید می‌کنند:

أوصیکما و جمیع ولدی و أهلی و من بلغه کتابی بتقوی اللّٰه و نظم أمرکم. (نهج البلاغه، بی تا: ۴۲۱)
شما دو تن [امام حسن (ع) و امام حسین (ع)] و همه فرزندان و خانواده‌ام و هر کسی را که این نوشته به او می‌رسد، به رعایت پرهیزکاری و نظم در کارها وصیت می‌کنم.

امام علی (ع) ضمن توصیه به نظم، به انتظام در امور ملتزم بودند و کارها و مسئولیت‌های خود را براساس نظم انجام می‌دادند. زراره از امام صادق (ع) نقل می‌کند که برنامه روزانه امام علی (ع) چنین بود:

۱. پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب، دعا و مستحبات را ادامه می‌داد؛ ۲. پس از طلوع خورشید، درب خانه را برای فقرا و نیازمندان می‌گشود؛ ۳. قبل از ظهر، ساعتی را به یاران و اصحاب فقه و احکام می‌آموخت؛ ۴. ساعتی را در شب، شخصاً در خیابان‌های شهر قدم می‌زد تا رفع ظلم فرماید. (شوشتری، ۱۳۷۶: ۴/ ۱۳۲)

آدمی در سایه نظم می‌تواند به کلیه تعهدات و پیمان‌های خود به‌موقع وفا کند؛ و وجود چنین فردی در هر کجا باشد، موجب خیر و برکت و اعتماد و تسکین خاطر افرادی است که با او سروکار دارند.

بر این اساس، نظم در کارها و رعایت شاخصه‌های آن، متضمن فواید فراوانی است که به پیشرفت فرد و اجتماع مدد می‌رساند و از اتلاف وقت - که گران‌بهارترین سرمایه انسان است - و ضایع‌ساختن دیگر نیروها و امکانات آدمی جلوگیری می‌کند.

۳.۷ تعهدمداری (pledge)

تعهدمداری و وفای به عهد و پیمان، یکی از اصول و پایه‌های مهم اخلاقی است. هر

انسانی براساس فطرت خدادادی خود، وفای به عهد را دوست دارد و از پیمان شکنی بیزار است.

از دیدگاه امام علی(ع)، وفای به عهد و پایبندی بر پیمان، اهمیت خاصی دارد. در نگاه آن حضرت(ع)، این اصل در محدوده روابط داخلی مسلمانان با یکدیگر خلاصه نمی شود، بلکه مسلمین موظفاند در برابر بیگانگان و کفار نیز این اصل را رعایت کنند.

امام علی(ع)، در عهدنامه خود به مالک اشتر، وفای به عهد را یکی از مهم ترین فرایض خدایی در اجتماع بشری به حساب می آورند و شکستن پیمان را حتی در مورد دشمن جایز نمی دانند و به مدیر منطقه مصر توصیه می کنند از پیمان شکنی برحذر باشند:

و إن عقدت بینک و بین عدوک عقدة أو ألبسته منک ذمة فحط عهدک بالوفاء و اراع ذمتک بالأمانة و اجعل نفسک جنة دون ما أعطیت فإنه لیس من فرائض الله شیء الناس أشد علیه اجتماعا مع تفرق أهوائهم و تشتت آرائهم من تعظیم الوفاء بالعهود و قد لزم ذلك المشركون فیما بینهم دون المسلمین لما استولوا من عواقب الغدر فلا تغدرن بدمتک و لا تخیسن بعهدک و لا تختلن عدوک فإنه لا یجترئ علی الله إلا جاهل شقی و قد جعل الله عهده و ذمته أمنا أفضاه بین العباد برحمته و حریما یسکون إلی منعه ... (نهج البلاغه، بی تا: ۴۴۲)

اگر بین خود و دشمن پیمانی بستی و یا تعهد کردی که به او پناه دهی، جامه وفا بر عهد خود بپوشان و تعهدات خود را محترم بشمار و جان خود را سپر تعهدات خویش قرار ده! زیرا هیچ یک از فرایض الهی مانند وفای به عهد و پیمان نیست که مردم جهان با تمامی اختلافاتی که دارند، در مورد آن چنین اتفاق نظر داشته باشند و حتی مشرکان زمان جاهلیت آن را مراعات می کردند، چراکه عواقب پیمان شکنی را آزموده بودند. بنابراین، هرگز پیمان شکنی مکن و در عهد خود خیانت روا مدار و دشمن را فریب مده، زیرا غیر از شخص جاهل و شقی، کسی گستاخی بر خداوند را روا نمی دارد. خداوند عهد و پیمانی را که به نام او منعقد می شود، با رحمت خود، مایه آسایش بندگان و حریم امنی برایشان قرار داده است تا به آن پناه برند ...

امام علی(ع)، در جنگ صفین، بر اثر فشار هم‌زمانش مجبور شد پیمان آتش بس را بپذیرد. پس از آنکه نتیجه حکمیت روشن شد و یاران او فهمیدند که اشتباه کرده‌اند، از ایشان خواستند تعهدات خود را نقض کند و جنگ را ادامه دهد. امام علی(ع) در پاسخ به درخواست آنها چنین فرمودند: وای بر شما! آیا پس از رضایت و عهد و میثاق برگردیم؟! مگر خداوند متعال فرموده است «به عهدها وفا کنید»؟! مگر فرموده است «چون با خدا عهدی بستید، وفا کنید و هرگز پیمان‌ها و سوگندهایی را که استوار شده است، مشکنید و حال آنکه خداوند را بر خود کفیل قرار داده‌اید»؟! (ابن ابی الحدید، ۱۳۳۷: ۱۱۳/۲)

در اینجا، با وجود اینکه خبثت معاویه و دشمنی او با اسلام و مسلمانان آشکار بود، امام (ع) حاضر نشدند به هیچ قیمتی خلاف عهد و پیمان عمل کنند و پیمان‌شکنی نکردند؛ و برعهد خود وفادار ماندند تا زمانی که معاویه پیمان‌شکنی کرد، آنگاه مردم را به نبرد با قاسطین فراخواندند (مفید، ۱۳۹۹: ۱۴۵). این رفتار امام (ع)، از اهمیت فراوان وفای به تعهدات در نگاه ایشان حکایت دارد.

وفای به عهد در جامعه و روابط میان مردم تأثیر زیادی دارد: در بُعد فردی باعث می‌شود فرد عهدمدار مورد وثوق و اطمینان مردم قرار بگیرد و به‌عنوان فردی معتبر و خوش‌قول شناخته شود و از حسن برادری (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۱) و صفا و صمیمیت دیگران برخوردار شود (همان: ۲۵۲) و این اعتبار باعث می‌شود مردم ترجیح دهند در امور خود، بیشتر با او مراوده داشته باشند و از این طریق رزق و روزی او گسترش یابد؛ و در بُعد اجتماعی، هر اندازه وفای به عهد بیشتر رعایت شود، اعتماد بیشتری ایجاد می‌شود و در نتیجه مردم احساس آرامش بیشتری می‌کنند و با خیال راحت‌تری به فعالیت می‌پردازند؛ زیرا مهم‌ترین سرمایه یک جامعه، اعتماد متقابل افراد اجتماع به یکدیگر است و اصولاً آنچه جامعه را از صورت آحاد پراکنده بیرون می‌آورد و همچون رشته‌های زنجیر به هم پیوند می‌دهد، همین اصل اعتماد متقابل است که پشتوانه فعالیت‌های هماهنگ اجتماعی و همکاری در سطح وسیع است، و عهد و پیمان، تأکیدی بر حفظ این همبستگی و اعتماد متقابل است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱/۳۸۲)

هر که در مزرع دل تخم وفا سبز نکرد زرد رویی کشد از حاصل خود وقت درو

(حافظ شیرازی، ۱۳۷۷: ۳۱۰)

۴.۷ شایسته‌سالاری (meritocracy)

در نظر گرفتن تخصص‌ها و شایستگی‌ها، با توجه به تفکیک شاخه‌های علوم و فنون، و جداسدن عرصه‌های کاری از یکدیگر، از ضروریات زندگی است.

به عقیده امام علی (ع)، توجه به توان، لیاقت و شایستگی افراد در نظام اسلامی، مهم‌ترین اصل برای اداره جوامع بشری است؛ و مسئولیت اداره هر کاری، از بالاترین امور — که منصب امامت و رهبری مردم است — تا پایین‌ترین امور، باید براساس رعایت شایستگی‌ها باشد و چنانچه این اصل مهم زیر پا گذاشته شود، شیرازه امور از هم می‌پاشد و هیچ کاری به سرانجام نمی‌رسد.

امام علی(ع) — که خود میراث‌دار حکومتی بود که در عرصه‌های گوناگون اداری و گزینشی، قضایی، نظامی و تقنینی آن، روابط جانشین ضوابط شده و انگیزه‌های دودمانی، تملق، ثروتمندی و قدرت‌نمایی جانشین اصل تقوا و شایسته‌سالاری شده بود (شهیدی، ۱۳۶۲: ۱۱۸) — برای پیاده‌کردن این اصل در جامعه و نظام حکومتی، ابتدا از خود شروع می‌کنند و می‌پرسند که آیا لیاقت رهبری جامعه اسلامی را دارند، و آیا اشخاص لایق‌تر از ایشان برای این امر وجود دارند. آنگاه، پیش از خلافت، با بیان ده‌ها دلیل عقلی، استدلال می‌کنند که لایق‌ترین فرد برای حکومت هستند.

آن امام همام(ع)، ضمن بیان لیاقت و شایستگی خود برای امر حکومت، لزوم توجه به این معیار را یادآور می‌شوند و در این باره می‌فرمایند:

أما والله لقد تقمصها فلان و إنه ليعلم أن محلي منها محل القطب من الرحي ينحدر عنى السيل و لا يرقى إلى الطير. (بهج/البلاغه، بی تا: ۴۸)

آگاه باشید! به خدا سوگند ابا بکر جامعه خلافت را بر تن کرد درحالی که می‌دانست جایگاه من در خلافت چون محور سنگ آسیا به آسیا است. سیل دانش از وجودم همچون سیل سرازیر می‌شود، و مرغ اندیشه به قلّه منزلتم نمی‌رسد.

امام علی(ع)، واگذاری مشاغل و مسئولیت‌ها به افراد بدون رعایت اصل شایسته‌سالاری و براساس اعطا و بخشش و به‌دلخواه و از روی هوی و هوس را شاخه‌ای از ظلم و خیانت به اسلام و مسلمانی می‌دانند:

لا تلوهم محاباة و أثرة فإنهما جماع من شعب الجور والخیانة. (همان: ۴۳۵)

نه از روی خودخواهی و استبداد رأی، که این دو از شاخه‌های ستم و خیانت‌اند.

درواقع اگر افراد به‌طور صحیح در جایگاه‌های مناسب قرارداد شوند، با موفقیت در کار و با دریافت پاداش مناسب، احساس رضامندی خواهند کرد؛ و رضامندی در محیط کار، انگیزه‌ای برای کار و تلاش بیشتر می‌شود و این دقیقاً مفهومی است که در بحث شایسته‌سالاری به آن اشاره شد.

انگیزه و جدیت افراد در انجام‌دادن کار، به تحقق اهداف کاری نیز کمک خواهد کرد، ضمن اینکه استقرار افراد در جایگاه‌های مناسب و تثبیت و یا جابه‌جایی آنها براساس ارزیابی، امنیت شغلی و آسایش و آرامش در محیط کاری را برای افراد فراهم می‌آورد و فرهنگ کار و تلاش را در محیط کار ترویج می‌دهد.

۵.۷ قانون‌گرایی (normative)

در نظام امامت عدل، توجه به قوانین برگرفته از تعالیم الهی، وظیفه‌ای دینی تلقی و حقوق و تکالیف دولت و مردم درپرتو اصل رعایت قانون تعریف و تفسیر می‌شود.

امام علی (ع)، خود را دربرابر قانون همچون دیگر مردم می‌دانستند و چنین تأکید می‌کردند:

فإن الحق القديم لا یبطله شیء. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۳۷: ۱ / ۲۶۹)

حق همیشه پایرجا است و هیچ شیء و نسبتی، قانون و حق را باطل و متوقف نمی‌کند.

آن حضرت (ع)، قانون‌گرایی را در زندگی خود و اطرافیانش به‌طور جدی رعایت می‌کرد. نحوه برخورد حضرت (ع) با برادرش عقیل — که سهم بیشتری از بیت‌المال می‌خواست — نشان‌دهنده پایبندی ایشان به قداست و حرمت قانون الهی است.

امام علی (ع)، در دوران خلافت خود، تلاش گسترده‌ای برای حاکمیت قانون‌گرایی انجام داد. آن حضرت (ع)، با صدور فرمان‌ها، عهدنامه‌ها و دستورالعمل‌های حکومتی، به کارگزاران حکومتی آموخت که قانون‌گرایی را جدی بگیرند و با قانون‌شکنان در هر موقعیت و جایگاهی که باشند، قاطع برخورد کنند؛ و به‌ویژه زمینه سوءاستفاده خواص و نزدیکان هیئت حاکمه را ازبین ببرند. ایشان در فرمان معروف خود به مالک اشتر می‌فرمایند:

و أزم الحق من لزمه من القریب والبعید و کن فی ذلک صابراً. (نهج‌البلاغه، بی‌تا: ۴۱)

حق و قانون را درباره کسی که لازم است، اجرا کن [هرچندکه] آن شخص از نزدیکانت باشد.

امام علی (ع) در ترویج یکی از فرمانداری‌های خود به دلیل سوءاستفاده از بیت‌المال و قانون‌شکنی، بر اجرای قانون پای می‌فشارند و می‌فرمایند:

والله لو أن الحسن والحسین فعلا مثل الذی فعلت ما کانت لهما عندی هواده و لاطفرا منی بارادة حتی آخذ الحق منهما و أزیح الباطل عن مظلمتهما. (همان: ۴۱۴)

سوگند به خدا اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو کردی، از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند تا آنکه حق را از آنان بازپس گیرم و باطلی را که به ستم پدید آمده است، نابود سازم.

آری؛ امام علی (ع) نه تنها دیگران را به قانون‌گرایی و رعایت ضوابط ترغیب و توصیه می‌کردند، بلکه خود نیز در این عرصه پیشتاز بودند و در این زمینه حتی درمورد نزدیک‌ترین کسانش ذره‌ای کوتاهی و اغماض به‌خرج نمی‌دادند.

شایان ذکر است که آنچه امام علی(ع) به عنوان قانون بر آن تأکید می‌کردند (و در اینجا ارائه شد)، قانونی است که بر مبنای حق و عدالت و برگرفته از تعالیم دین الهی باشد و گرنه در قوانینی که برخی از افراد و حکومت‌ها وضع می‌کنند و به اجرا می‌گذارند، حقوق بعضی از افراد زیر پا گذاشته و زمینه تبعیض و نابرابری فراهم می‌شود و به‌طور طبیعی التزام به چنین قانونی مدنظر نیست.

۶.۷ کیفیت محوری

در سیره امام علی(ع)، توجه به کیفیت و عمق و خبرگی در عمل، بسیار مهم‌تر از مقدار و کمیت عمل است:

قیمه کل امرء ما یحسنه. (نهج البلاغه، بی تا: ۴۸۲)

ارزش هر انسانی، به کار و هنری است که آن را نیکو می‌داند (در آن تخصص دارد).

یکی از پژوهشگران ذیل این حدیث نوشته است:

... مردم همان‌گونه که فرزندان پدران خویش‌اند و به آن شناخته می‌شوند، فرزندان مهارت‌ها، هنرها و کیفیت کار خویش نیز هستند و بدان شناخته و منسوب می‌شوند... این سخن امام علی(ع)، تأکیدی است بر اهمیت کیفی هر کار و هر حرفه و هنر؛ یعنی ارزش واقعی، به مهارت انجام‌دادن و خوبی کار است نه به اندازه آن. (حکیمی، ۱۳۸۰: ۳۳۱)

۷.۷ اتقان در عمل

اتقان در عمل، یکی دیگر از معیارها و عوامل اخلاق کار است؛ و آن به این معنا است که وقتی انسان کاری را برعهده می‌گیرد، آن را با دقت و استحکام تمام و به‌نحو احسن انجام دهد و در انجام‌دادن آن کم‌توجهی و سهل‌انگاری نکند.

انجام‌دادن کار به‌نحو احسن و اساسی، ارزشی است که در آیات و روایات بر آن تأکید فراوان شده است. در این باره، حتی اگر دستوری از طریق شرع به ما نمی‌رسد، عقل چنین حکم می‌کند. عقل می‌گوید یا کاری مکن یا اگر کردی، اساسی آن را انجام بده، که کار دوباره کردن از عاقل صادر نمی‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۰۸)

اسلام، دین اتقان و محکم کاری است؛ و امام علی(ع) به پیروی از سیره نبوی تلاش

می‌کرد، کار به شکلی متقن و محکم و بدون خلل انجام گیرد. آن حضرت (ع) هنگامی که مأمور شد پیام برائت را به مشرکان برساند، با همه توان به این کار قیام کرد. شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

امیرالمؤمنین (ع) مکرر در مکرر و در جاهای مختلف این اعلام برائت را به مردم ابلاغ می‌کرد. نوشته‌اند آن قدر مکرر می‌گفت که صدایشان گرفته بود، از بس که در مواقع مختلف، هر جا اجتماعی بود، این آیات را می‌خواند و ابلاغ می‌کرد تا یک نفر هم باقی نماند که بعد بگوید به من ابلاغ نشد. (مطهری، ۱۳۸۱: ۳/۲۱۶)

حق کار این است که با کیفیت عالی و دقیق و صحیح و خوب انجام شود؛ و تمام شدن کار به تمام کردن آن است. امام علی (ع) در این باره می‌فرمایند: «جَمَالُ الْمَعْرُوفِ إِتْمَامُهُ». (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۸۳)

۸.۷ مداومت

از جمله اصول و معیارهای حاکم بر اخلاق کار، مداومت و به‌انجام رساندن آن است؛ و گرنه کار متقن و باکیفیت هم در صورتی که نیمه‌تمام باشد، نتیجه‌ای ندارد. بدیهی است که برای استمرار عمل باید در مقابل سختی‌ها و موانع مقاومت کرد؛ چه، اگر با سست‌عنصری و نداشتن اراده قوی، استقامت در کارها نیاید، کارها بریده، ناقص و بی‌سرانجام خواهد بود:

و ان لو استقاموا علی الطریقه لاسقیناهم ماء غدقا (جن: ۹).

و اگر خلاق در راه (ایمان و حاکمیت حق) پایداری می‌کردند، آب فراوان (نعمت‌های سرشار) به آنها عطا می‌کردیم.

مداومت بر عمل اندک، امید نتیجه در پی دارد؛ اما بر عمل غیرمستمری که یکباره و به‌فراوانی انجام گیرد، نمی‌توان اعتماد کرد و به آن امید بست:

قلیل تدوم علیه ارجی من کثیر مملول منه. (نهج‌البلاغه، بی‌تا: ۵۲۵)

کار اندکی که بر آن مداومت کنی، امیدبخش‌تر از کار بسیاری است که با احساس خستگی بریده و رهاش سازی.

امام علی (ع) هم هرگاه کاری را شروع می‌کرد، با سخت‌کوشی آن را تا پایان ادامه می‌داد. لذا وقتی بنا گذاشت با کندن قنات، آب زیرزمین را بر زمین جاری و زمین را برای فقرا آباد کنند، خود شخصاً چاه کند و کار را به‌پایان رساند. [ابی‌نیر] می‌گوید:

علی به مزرعه آمد؛ کلنگ برداشت و در چاه رفت و مدت زیادی به کار ادامه داد. هنگامی که از چاه بیرون آمد، عرق از وجود شریفش سرازیر بود و از من غذایی طلبید ... (مطهری، ۱۳۸۱: ۱/ ۲۹۰)

امام خمینی (ره) درباره پشتکار و تداوم فعالیت علی (ع) می‌فرمایند:

همان روزی که بیعت کردند با حضرت امیر(علیه السلام) به خلافت (آن خلافتی که دامنه‌اش این قدر زیاد بود)، همان روز بعد از اینکه بیعت تمام شد، ایشان رفت سراغ آن کاری که می‌کرد، آن وقت کار که می‌کرد، نه اینکه کار می‌کرد برای استفاده خودش، که حالا درآورد یک قنات داشته باشد. وقتی که آب (مثل گردن شتر) زد بیرون، آن وقت قلم و کاغذ را گرفت و وقفش کرد برای فقرا. (خمینی، ۱۳۸۲: ۴/ ۱۷۹)

اینها تنها بخشی از معیارها و اصول اخلاقی حاکم بر کار است که باید مدنظر قرار گیرد. بدیهی است که بی‌توجهی به این موارد و ملاک و معیار قراردادن آنها باعث می‌شود کار به نتیجه مطلوب و موردنظر نرسد.

۸. عوامل و زمینه‌های تقویت اخلاق کار

۱.۸ تقویت خدا‌باوری و خدا‌محوری

خدا‌باوری و خدا‌محوری، نقش مهمی در گرایش انسان به اخلاقی عمل کردن دارد. اگر محور همه امور خدا دانسته و هدف انسان و جهان سیر به سوی او قلمداد شود، یعنی آدمی معتقد باشد که هستی هم از خدا و هم به سوی او است و هدف غایی آدمی رسیدن به مقام قرب الهی است، کوشش خواهد کرد اعمال و رفتارهای خود را در مسیر رسیدن به این هدف تنظیم کند. امام علی (ع) در نامه به امام حسن (ع) به آن حضرت سفارش می‌کنند خدا‌محوری را سرلوحه کارهای خود قرار دهند:

فتفهم یا بنی وصیتی واعلم أن مالک الموت هو مالک الحیاة و أن الخالق هو الممیت و أن المفی هو المعید و أن المبتلی هو المعافی و أن الدنیا لم تکن لتستقر إلا علی ما جعلها الله علیه من النعماء والابتلاء والجزاء فی المعاد أو ما شاء مما لا تعلم. (نهج البلاغه، بی تا: ۳۹۵)

ای فرزند! وصیت مرا نیکو دریاب و بدان که مرگ در دست همان کسی است که زندگی در دست او است و آن که می‌آفریند، همان است که می‌میراند و آن که فناکننده است، همان است که باز می‌گرداند و آن که مبتلاکننده است، همان است که شفا می‌دهد و

دنیاستقرار نیافته مگر بر آن حال که خداوند برای آن مقرر داشته، از نعمت‌ها و آزمایش‌ها و پاداش روز جزا یا امور دیگری که خواسته است، و ما را از آن آگاهی نیست.

هرگاه آدمی اعتقاد داشته باشد که خدا دانای اسرار است، به آنچه در ذهن دارد آگاه است، به هر پدیده‌ای احاطه دارد و بر هر چیز توانا است (همان، خطبه ۸۶، ص ۱۱۶)، حق خدا را کوچک نمی‌شمارد (همان، نامه ۴۳، ص ۴۱۵) و خدا در فکر او بزرگ و غیرخدا در نظر او کوچک است (همان، خطبه ۱۹۳، ص ۳۰۳). چنین فردی نمی‌تواند با فساد و تباهی همراه و همدل باشد:

ظهر الفساد فلامنکر مغیر و لازاجر مزدجر أفهذا تریدون أن تجاوروا الله فی دارِ قدسه و تکنونوا
أعز أولیائه عنده هیهات لایخدع الله عن جنته ... (همان: ۱۸۷)

فساد آشکار شده است. کسی نیست که زشتکاری‌ها را دگرگون سازد و کسی نیست که بزه‌کاران را مهار کند. با چنین اعمالی می‌خواهید در جوار خداوند در سرای قدس او به سر برید یا از دوستان او به‌شمار آبیید؟! آرزوی محال است. خداوند را برای رفتن به بهشت نمی‌توان فریفت...

کسی که با چنین نگرشی در عرصه کار و تلاش قدم می‌گذارد، یکسره می‌کوشد و همه تلاش خود را به کار می‌بندد تا کار و فعالیت‌های او در راه رسیدن به خدا شکل گیرد، کردار خود را از شرک و ریا پاک و خود را برای خدا خالص می‌سازد (همان: خطبه ۸۷، ۱۱۸)، و آنچه را او فرمان و به آن رضایت داده است، انجام می‌دهد.

چنین فردی می‌کوشد با نگاه امانت‌انگارانه به کار، آن را به‌صورت تام و تمام و بدون صرف هزینه‌های بی‌جا انجام دهد، حتی اگر صاحب کار بر او نظارتی نداشته باشد؛ زیرا معتقد است خدا در همه جا و در همه حال حاضر و ناظر بر اعمال و رفتار او است و انجام‌دادن عمل به‌صورت شایسته نزد او محبوب‌ترین است (همان: خطبه ۱۲۵، ۱۸۲). از همین رو، امام علی (ع) در نامه به مالک اشتر، او را برای یاری دین خدا چنین فرمان می‌دهند:

أن ینصرالله سبحانه بقلبه و یده و لسانه فإنه جل اسمه قد تکفل بنصر من نصره و إعزاز من أعزه. (همان: ۴۲۷)

خدای سبحان را با قلب و دست و زبانت یاری کن؛ زیرا خدای بزرگ، یاری کسی را که دینش را یاری کند و عزیزداشتن کسی را که او را عزیز بدارد، تضمین کرده است.

درمقابل، کسی که اعتقاد دینی نداشته باشد و خداگرا و خدامحور نباشد، چه بسا حرکت در راه صحیح و باطل را یکی بداند و محق و مبطل در پیش او یکی باشد. (همان: ۳۷۴)

بنابراین، تقویت خداباوری و محور قراردادن و در نظر داشتن خداوند در کار و فعالیت می‌تواند فرد را به توجه به کار و رعایت اصول اخلاقی آن بکشاند. هرچه این اعتقاد بیشتر تقویت شود، فرد التزام بیشتری به کار خود خواهد داشت و می‌کوشد آن را به‌گونه‌ای انجام دهد که رضایت خداوند را در پی داشته باشد.

۲.۸ توجه به شأن و جایگاه حقیقی انسان

اینکه انسان خود را چگونه ببیند و چگونه بیابد و چه جایگاهی برای خود در عالم هستی قائل باشد، در اخلاق و کارکرد او تأثیرگذار است. اگر بدانند برترین مخلوق در زمین است (همان: ۳۷۴) و برترین جایگاه را در عالم هستی دارد و خداوند کرامتی ذاتی به او ارزانی داشته است (اسراء: ۷۰)، به امور حقیر تمایل نمی‌یابد و خود را برتر از آن می‌بیند که به نادرستی تن بسپارد. امام علی (ع) خطاب به فرزندش امام حسن (ع) می‌فرماید:

و أكرم نفسك عن كل دنية وإن ساقتك إلى الرغائب فإنك لن تعترض بما تبذل من نفسك
عوضاً. (نهج البلاغه، بی تا: ۴۰۱)

نفس خود را از هر گونه پستی باز دار، هرچند تو را به اهداف برساند؛ زیرا نمی‌توانی به اندازه آبرویی که ازدست می‌دهی، بهایی به‌دست آوری.

انسان کریم قدر خود را می‌شناسد و می‌داند که تنها در سایه اطاعت و تبعیت از دستورات الهی می‌تواند ارزش و منزلت خود را نگه دارد و به سعادت دست یابد (همان: ۲۶۱)؛ بنابراین، حق خداوند را کوچک نمی‌شمارد (همان: نامه ۴۳، ۴۱۵)، بر نفس خویش مسلط است، در مورد خویشتن از آنچه حرام است بخل می‌ورزد (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۱)، و هنگامی که عهدی می‌بندد، خود را به انجام دادن آن ملزم می‌داند (همان: ۲۵۲).

دنیا در نظر انسان کرامت‌باور، کوچک است (همان: ۲۳۱) و می‌کوشد چهره خود را از خواری آتش جهنم نگه دارد (نهج البلاغه، بی تا: ۳۹۱)، چراکه می‌داند بهای وجودش جز بهشت نیست:

ألا حر يدع هذه المأظلة لأهلها إنه ليس لأنفسكم ثم إلا الجنة فلا تبعوها إلا بها. (همان: ۵۵۶)
آیا آزادمردی نیست که این لقمه جویده حرام دنیا را به اهلش واگذارد؟! همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست؛ پس به کمتر از آن نفروشید!

اگر انسان به ارزش‌های خود آگاه نباشد، از جایگاه شایسته خود تنزل می‌کند و به دلیل این تنزل، به اموری تن می‌دهد که در شأن او نیست: به خلافتکاری، دغلبازی و گنه‌کاری دست می‌آلاید.

بر این اساس، اگر انسان خود را بشناسد و جایگاه، منزلت و ارزش وجودی خود را درک کند و بداند آنچه این مقام و منزلت را حفظ می‌کند، همان حرکت و عمل برطبق قوانین و دستورات الهی است، رفتار و کردار خود را به گونه‌ای سامان می‌دهد که با حفظ جایگاه، شأن و منزلت وجودی او متناسب باشد و بر این اساس، کار خود را طوری انجام می‌دهد که معیارها و اصول اخلاقی حاکم بر آن رعایت شود چراکه می‌داند با بی‌توجهی به آنها درواقع به شأن و جایگاه حقیقی خود بی‌توجه بوده است.

۳.۸ امانت‌انگاری کار

نوع نگاه انسان به کار، نقش مهمی در چگونگی انجام‌دادن کار دارد. کسی که کار و مسئولیت را امانت ببیند و آن را وسیله عزت و سرمایه شکوفایی خویش بداند، از کارکردن احساس رضایت و خشنودی می‌کند و همین باعث می‌شود کار و وظیفه خود را به درستی انجام دهد. درمقابل، اگر کسی تلقی طعمه‌انگارانه‌ای از کار داشته باشد، چه بسا رفتارهای اخلاقی در وی بخشکد و زمینه دغلبازی و خیانت‌ورزی در او فراهم آید.

یکی از مواردی که در کلام امام علی (ع) بسیار بر آن تأکید شده، امانت‌داری است. در نگاه امام علی (ع)، امانت‌داری چنان جایگاه و اهمیتی دارد که دین بدون آن بی‌پایه (آمدی، ۱۳۶۶: ۲۱۸) و مسلمانی بدون آن بی‌ریشه (همان: ۲۵۱) است. آن امام همام (ع)، اصل و ریشه اسلام و کمال آن را به امانت‌داری می‌دانند:

رأس الإسلام الأمانة. (همان)

امانت‌داری، اصل اسلام است.

من عمل بالأمانة فقد أكمل الديانة. (همان)

کسی که به امانت‌داری عمل کند، دینت خود را کامل کرده است.

در جهان‌بینی الهی امام علی (ع)، امانت طیف وسیعی از امور را شامل می‌شود. آن حضرت (ع)، هر آنچه را که در اختیار انسان قرار گرفته است، امانت الهی می‌داند و بر امانت‌داری امانت الهی، با انجام‌دادن دستورات خداوند و رعایت موازین الهی توصیه

می فرمایند. آن امام (ع) با هشدار در مورد آثار سوء خیانت ورزی، بر امانت داری تأکید و در این باره می فرمایند:

و من استهان بالأمانة، و رتع فی الخیانة، و لم ینزه نفسه و دینه عنها، فقد أحلّ بنفسه الذلّ
والخزی فی الدنیا، و هو فی الآخرة أذلّ و أخزی. (نهج البلاغه، بی تا: ۳۸۳)

کسی که امانت الهی را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند و خود و دین خود را پاک نسازد، درهای خواری را در دنیا به روی خود می گشاید و در قیامت خوارتر و رسواتر می شود.

امام علی (ع) با بیان اینکه کار و مسئولیت امانت است، بینش کارگزاران خود را تصحیح می فرمود؛ از جمله در نامه‌ای به «اشعث بن قیس» — استاندار آذربایجان — یادآور شده‌اند:

إن عملک لیس لک بطعمه و لکنه فی عنقک أمانة ... لیس لک أن تفتت فی رعیة و لاتخاطر
إلا بوثیقة. (همان: ۳۶۶)

پست فرمانداری، وسیله آب و نان برای تو نیست، بلکه امانتی در گردن تو است... تو حق نداری به رعیت استبداد کنی و بدون دستور به کار مهمی اقدام کنی.

کسی که نگاهی امانت‌انگارانه به کار و مسئولیت داشته باشد، همه تلاش خود را به کار می بندد تا در امانت خیانت و به آن تعدی نکند. تقویت چنین نگرشی، نقشی مهم در گرایش انسان به برخوردی اخلاق‌گرایانه با این مسئله دارد.

برعکس، کسی که از فضیلت امانت‌داری بی بهره است، دغدغه حفظ اموال عمومی ندارد و دل مشغول استفاده بهینه از امکانات و اختیاراتش نیست. فقدان جهان‌بینی امانت‌انگاری، رفتار فرد را نه تنها در پیوند با دیگران بلکه در ارتباط با خود فرد نیز مخدوش می سازد. (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۶: ۳۲)

بر این اساس، هر آنچه در کسب و کار به نحوی در حوزه اختیار فرد قرار دارد، امانت نزد او سپرده شده است، از جمله اموال شرکت، اعتبار آن، مشتریان، کیفیت محصول، ...؛ خود فرد نیز در عین آنکه جزء شرکت است، به عنوان کارمند و عضو گروه، امانت است. لذا حق هیچ‌گونه تصرف و استفاده از خویشتن را ندارد. (همان: ۱۲۳)

بنابراین، اگر نگاه امانت‌انگاری در محیط‌های کاری حاکم شود، فضای حاکم بر محیط کار متعالی و صداقت و راستگویی حکمفرما می شود، رزق و روزی توسعه می یابد و باعث رشد و رونق اقتصادی می شود.

۴.۸ شناخت صحیح دنیا و آخرت

نوع نگاه و نگرش انسان به دنیا و مواهب و نعمت‌های آن، نقش مهمی در جهت‌دهی رفتار و اعمال انسان دارد. در مکتب تربیتی علوی، هدف این است که فراگیران آخرت‌گرا و آخرت‌نگر بار بیابند. گفتارهای تربیتی امام علی (ع) و کردارهای آن حضرت همواره بر این متمرکز بود که فرزندان، دوستان، یاران و اطرافیان خود را به آخرت‌گرایی و گذار فکری و عملی از زندگی دنیا دعوت کنند؛ چنان‌که خطاب به امام حسن مجتبی (ع) می‌فرمایند:

واعلم یا بنی أنک إنما خلقت للآخرة لا للدنيا وللفناء لا للبقاء وللموت لا للحياة وأنک فی قلعة و دار بلغة و طریق إلى الآخرة. (نهج‌البلاغه، بی تا: ۴۰۰)

و بدان که تو را برای آخرت آفریده‌اند نه برای دنیا، برای فنا آفریده‌اند نه برای بقا، و برای مرگ آفریده‌اند نه برای زندگی؛ در سرایی هستی ناپایدار که باید از آن رخت بربندی، و تنها چند روزی در آن خواهی زیست. راه تو راه آخرت است.

دنیا، سرای گذر است نه سرای استقرار (همان: ۴۹۳)؛ منزلگاهی ناپایدار و جای کدورت و ناخوشی است (همان: خطبه ۱۹۶، ۳۱۰)؛ خانه‌ای است که خوشی‌های آن دست‌به‌دست می‌شود (همان: حکمت ۱۳۱، ۴۹۲)، مکار و فریبکار است (همان: خطبه ۲۳۰، ۳۵۲)، باطنش فنا و نیستی (همان: حکمت ۴۳۲، ۵۵۲) و داستانش، داستان ماری است که بدن آن نرم و زهرش کشنده است (همان: نامه ۶۸، ۴۵۸). دنیا، آفریده خدا و محکوم به فنا، پیچیده به رنج‌ها و گرفتاری‌ها و معروف به مکر است (همان: خطبه ۲۲۶، ۳۴۸) و هیچ‌کس در آن به سلامت نمی‌ماند مگر در سایه تقوا (همان: خطبه ۶۳، ص ۹۴) زیرا سرچشمه آب آن گل آلود است (همان: خطبه ۸۳، ۱۰۸)، فرینده‌ای فانی‌شدنی، روشنایی پنهان‌شدنی، سایه‌ای زایل‌شدنی و تکیه‌گاهی رو به ویرانی (همان).

مؤمن، دنیا را با این اوصاف برای خود جایگاه اقامت دائم نمی‌پندارد (همان: خطبه ۱۳۲، ۱۹۰) و به آن به‌عنوان وسیله و ابزاری جهت رشد و هدایت خود می‌نگرد؛ می‌داند دنیا صحنه کار و تلاش است و آخرت نتیجه اعمال (احسان، ۱۴۰۵: ۱/ ۲۶۷)، پس باید آنچه را از توشه حیات ابدی و آبادانی آخرت سبب می‌شود، در دنیا مهیا کند (نهج‌البلاغه، بی تا: خطبه ۱۸۶، ۲۱۹). وقتی بداند بهترین توشه برای آبادانی آخرت تقوا است (همان، حکمت ۱۳۰، ص ۴۹۲) و هیچ ارجمندی جز آن نیست (همان: حکمت ۳۷۱، ۵۴۰)، سعی می‌کند برای آخرت کار کند چراکه سعادت او در آخرت بدون آن تأمین نمی‌شود (همان: قصار ۱۴۷، ۴۹۷).

او با این نگرش کار می‌کند، ولی نه آن‌گونه که کار دنیا او را از آخرت بازدارد (همان: حکمت ۲۶۹، ۵۲۲)؛ عمل او در دنیا پاک و پیراسته (همان: خطبه ۱۹۰، ۲۸۱) و طلب او حلال است (همان: خطبه ۱۹۳، ۳۰۳) و فقط کار شرافتمندانه انجام می‌دهد (همان: نامه ۳۱، ۴۰۲).

این عقیده که انسان پس از زندگی دنیایی به خدای خویش می‌پیوندد و باید درقبال اعمال و رفتارش پاسخگو باشد، او را به انسانی بدل می‌کند که حاضر نمی‌شود دنیای خود را به بهای نابودی آخرت آباد کند (همان: نامه ۴۳، ۴۱۵) و همواره مراقب رفتار و اعمال خویش است؛ و وقتی چنین بینش و نگرشی بر زندگی انسان و بر کار و فعالیت او سایه افکند، بالطبع فعالیت‌های خویش را درست و اصولی انجام می‌دهد و چنان گام برمی‌دارد که سعادت دنیا و آخرت خویش را تضمین کند؛ و دسترسی به این هدف جز در پرتو تعالیم حیات‌بخش الهی و حرکت بر مدار آنها میسر نخواهد بود.

۵.۸ تأمین مالی

یکی از مهم‌ترین موجبات تقویت اخلاق کار، تأمین مالی کارگزاران و کارکنان است؛ زیرا دغدغه معاش و نگرانی گذران زندگی آبرومند، زمینه‌های تحقق کار اخلاقی را تباه می‌کند و تحقق آن را با چالش مواجه می‌سازد. از این رو، امام علی (ع) در فرمان‌ها و دستورهای حکومتی و اداری خود، بر تأمین مالی کامل و وافی کارگزاران و کارکنان سخت تأکید می‌کند؛ چنان‌که در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید:

ثم أَسْبَغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةُ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَ غِنَى لَهُمْ عَنِ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ وَ حِجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ أَوْ ثَلَمُوا أَمَانَتَكَ. (همان، نامه ۵۳، ۴۳۵)

سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار؛ که با گرفتن حقوق کافی، در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند، و با بی‌نیازی، به اموال بیت‌المال دست نمی‌زنند، و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند.

از نگاه امام علی (ع)، کارگزاران و کارکنان دستگاه اداری با ارزش‌اند و پیش از اینکه به خدمتگزاری آنان در مسئولیت محوله توجه شود، در درجه نخست خود آنان و استعدادها و صلاح و سامان آنان مطرح است. آن حضرت (ع)، تأمین معیشتی کامل و همه‌جانبه (اسبغ رزق) را به مالک اشتر فرمان داده (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳: ۱۰۰) و دو دلیل برای این فرمان ذکر کرده‌اند: ۱. آنان را در اصلاح خویش تقویت می‌کند؛ ۲. آنان از خیانت در اموالی که زیر دست آنها است، بی‌نیاز می‌سازد.

از نظر امام علی (ع)، پرداخت کامل حقوق و گشایش در روزی کارکنان، به آنان کمک می‌کند تا در جهت اصلاح خود گام بردارند و از فقری که مایهٔ زیان دین و آشفتگی خاطر و پریشان‌حالی است، نجات یابند؛ زیرا تنگناهای زندگی، آدمی را وسوسه می‌کند آن‌چنان‌که ممکن است زیر فشارهای سخت معیشتی دست به نادرستی و خیانت بیالایند. (خدمتی، ۱۳۸۲: ۹۰)

بر این اساس، کارفرمایان باید نظام کاری را به‌گونه‌ای فراهم کنند که کارکنان از نظر زندگی و معیشت تأمین باشند و امنیت لازم از این جهت برایشان فراهم شود، تا زمینهٔ خیانت و بی‌اخلاقی مسدود و راه اصلاح و خدمتگزاری گشوده شود.

۶.۸ توجه به کارایی (proficiency) و کارآمدی (efficient) افراد

وقتی فردی نامناسب و ناکارآمد را به کاری بگمارند، انواع تباهی‌ها ظهور می‌کند: چنین فردی معمولاً تحت فشارهای درونی و بیرونی قرار می‌گیرد و تراحم میان شخصیت او و شخصیت کاری او، به‌صورت عوارض روانی و رفتاری بروز می‌کند؛ زیرا به‌دست‌گرفتن کاری که شایستگی آن را ندارد، او را از اخلاق انسانی دور می‌کند.

درمقابل، کسی که براساس کارآمدی و کارایی در جایگاه مناسب خود قرار گیرد و کار مناسب با توانش به او واگذار شود، تأییدهای بیرونی و درونی را همراه خود دارد و این، بهترین زمینه برای انجام درست و شایسته کار است. امام علی (ع) دربارهٔ خطر برسرکارآمدن ناهلان و پیامدهای تباه‌کنندهٔ آن چنین هشدار داده‌اند:

قد علمتم أنه لا ينبغي أن يكون الوالی علی الفروج والدماء والمغانم والأحكام و
إمامة المسلمین البخیل فتكون فی أموالهم نهمة و لا الجاهل فیضلمهم بجهله و لا الجافی فیقطعهم
بجفائه و لا الخائف للذول فیتهخذ قوما دون قوم و لا المرتشی فی الحکم فیذهب بالحقوق و یقف
بها دون المقاطع و لا المعطل للسنة فیهلك الأمة. (نهج البلاغه، بی تا: خطبهٔ ۱۳۱، ۱۸۹)

دانستید که سزاوار نیست بخیل بر ناموس و جان و غنیمت‌ها و احکام مسلمین ولایت و رهبری یابد و امامت مسلمین را برعهده گیرد، تا در اموال آنها حریص شود؛ و نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود مسلمانان را به گمراهی کشاند، و ستمکار هم نمی‌تواند رهبر مردم باشد، که حق مردم را با ستم غصب و عطاهای آنان را قطع کند؛ و نه کسی که در تقسیم بیت‌المال عدالت ندارد، چراکه در اموال و ثروت آنان حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروهی مقدم می‌دارد؛ و رشوه‌خوار در قضاوت نمی‌تواند امام باشد، زیرا

به‌هنگام داوری، حقوق مردم را با رشوه‌گرفتن پایمال می‌کند و حق را به صاحبان آن نمی‌رساند؛ و آن کس که سنت پیامبر اکرم (ص) را ضایع می‌کند نیز لیاقت رهبری ندارد، چراکه امت اسلامی را به هلاکت می‌کشاند.

با توجه به اهمیت کارآیی و کارآمدی افراد و نقش آن در افزایش اخلاق کاری، هرکس باید براساس صلاحیت‌ها و توانمندی‌هایش در جای مناسب خویش قرار گیرد، تا بتواند کار و مسئولیت خود را به بهترین نحو پیش ببرد. امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر این مطلب را چنین تذکر می‌دهند:

واجعل لرأس كل أمرٍ من أمورِ رأسا منهم لا يقهره كبرها و لا يتشتت عليه كثرها. (همان: نامه ۵۳، ۴۳۷)

برای هر یک از کارهای سرپرستی برگزین که بزرگی کار بر او چیرگی نیابد و فراوانی کار او را درمانده نسازد.

امام علی (ع) تأکید می‌کنند که کارگزاران و کارکنان باید براساس شناختی درست از توانایی‌ها و صلاحیت‌هایشان انتخاب و به کار گمارده شوند و در این امر امیال و خواسته‌ها و روابط نباید به‌هیچ‌وجه بر قواعد و معیارها و ضوابط چیره شود. در نظام کاری که گزینش و به‌کارگیری افراد بر مبنای پیوندها و خویشی‌ها و رابطه‌ها و یا براساس میزان‌ها و معیارهای ظاهرگرایانه و بی‌خردانه باشد، کاری شایسته شکل نمی‌گیرد. امام علی (ع) در این زمینه به‌شدت بر معیارها تأکید می‌کنند، تا به‌کمک آنها بتوان کارآیی و کارآمدی و توانمندی‌های واقعی افراد را سنجید و آنها را در جای مناسبشان به خدمت گماشت:

ثم لا یکن اختیارک إیاهم علی فراستک واستنامتک و حسن الظن منک فإن الرجال یتعرضون لفراسات الولاية بتصنعهم و حسن خدمتهم و لیس وراء ذلك من النصیحة والأمانة شیء. (همان: نامه ۵۳، ۴۳۷)

مبادا در گزینش آنان [صرفاً] بر تیزهوشی و اطمینان شخصی و خوش‌باوری خود تکیه کنی؛ زیرا افراد زیرک با ظاهرسازی و خوش‌خدمتی، نظر زمامداران را به خود جلب می‌کنند، و در پس این ظاهرسازی‌ها، نه خیرخواهی هست و نه از امانت‌داری نشانی یافت می‌شود.

۷.۸ توجه به علایق افراد

قرارگرفتن افراد در کارهای مناسب روحیات و علایق آنها و انجام‌دادن کار با عشق و علاقه، بستری بسیار نیکو در جهت به‌سامان‌گرفتن کارها فراهم می‌آورد؛ و انجام‌دادن کار

از سر بی‌علاقگی و بی‌حوصلگی، زمینه‌ساز بسیاری از رفتارها و مناسبات خلاف شئون اخلاق کاری است.

برای زدودن این عارضه، باید تلاش کرد فضای عشق و علاقه به کار و مسئولیت فراهم و هرکس با میل و رغبت و انگیزه شخصی درگیر کار و مسئولیت شود. امام علی (ع) می‌فرماید:

إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَإِقْبَالَاً وَإِدْبَاراً فَأَتَوْهَا مِنْ قَبْلِ شَهْوَتِهَا وَإِقْبَالَهَا فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أَكْرَهَ عَمِيَ.
(آمدی، ۱۳۶۶: ۶۶)

دل‌ها را روی آوردن و پشت‌کردنی است؛ پس دل‌ها را آنگاه به کار وادارید که خواهشی دارند و روی آوردنی، زیرا اگر دل را به‌اجبار به کاری واداری، کور می‌شود.

وجود علاقه‌مندی شخصی در کار و مسئولیت، سختی‌ها را سهل می‌کند و توانمندی و شکیبایی به‌بار می‌آورد و در رعایت و انجام درست کار اخلاقی نقش به‌سزایی دارد. امام علی (ع) تأکید می‌فرمودند که کار و مسئولیت با میل و علاقه شخصی انجام گیرد؛ و به همین جهت، خود از فضای اکراه و اجبار به‌شدت پرهیز می‌کردند و هیچ‌گاه به روش‌های مستبدانه روی نمی‌آوردند:

لیس لی أن أحملکم علی ما تکرهون. (نهج البلاغه، بی‌تا: خطبه ۲۰۸، ۳۲۴)
نمی‌توانم شما را به راهی که دوست ندارید، اجبار کنم.

از نظر امام علی (ع)، مردم خود باید بخواهند و خود در مسیر صحیح گام نهند، و گرنه کاری از پیش نخواهد رفت. آن حضرت (ع) در نامه‌ای به «قرظ‌بن کعب انصاری» — یکی از استناداران خود — می‌فرماید:

و لست أرى أن اجبر احدا علی عمل یکرهه. (بلاذری، بی‌تا: ۳۹۰ / ۲)
صحیح نمی‌دانم که کسی را به کاری مجبور کنم که از آن کار کراهت دارد.

اگر بتوان با به‌کارگرفتن عوامل و زمینه‌هایی، افراد را به کار و مسئولیتشان علاقه‌مند ساخت و انگیزه و شوق لازم را در آنان ایجاد کرد، فضای لازم برای انجام‌دادن درست و اخلاقی کارها فراهم می‌شود.

۸.۸ کنترل و نظارت

تأثیر نظارت و مراقبت بر عملکرد افراد، انکارناپذیر است. اگر فرد بداند عملکرد او کنترل می‌شود، در انجام‌دادن کارها، و به‌ویژه در امور اجتماعی، دقت بیشتری می‌کند.

امام علی(ع)، در دوران حکومت خود، از این شیوه به خوبی استفاده می کردند و آن را در بهبود و اصلاح امور اجتماعی به کار می بستند. بررسی سیره عملی امام علی(ع) نشان می دهد که آن حضرت(ع)، مستقیم یا غیرمستقیم، کاملاً بر عملکرد کارگزارانشان نظارت داشتند و در صورت مشاهده تخلف، به سرعت متخلف را سرزنش و یا از کار برکنار می کردند. از امام صادق(ع) نقل است:

امیرمؤمنان علی(ع) هر روز صبح در بازارهای کوفه، بازار به بازار، تازیانه بر دوش، گردش می کردند (تا متخلفان حساب ببرند)... و بر سر هر بازاری می ایستادند و ندا می دادند: ای بازرگانان! قبل از هر چیز، خیر را از خدا بخواهید و برکت را در آسان گیری بدانید، به خریداران نزدیک شوید، حلم و بردباری را زینت خود سازید و از دروغ و سوگند دوری کنید و از ظلم پرهیزید و حق مظلومان را ادا کنید، هرگز به سراغ ربا نروید و حق پیمانانه و ترازو را ادا کنید (کم فروشی نکنید) و از حقوق مردم چیزی کم نگذارید و در زمین فساد نکنید. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱/ ۱۰۴)

امام علی(ع) نه تنها خود نظارتی دقیق بر عملکرد کارگزارانش داشتند، بلکه از والیان و مسئولان حکومتی خود می خواستند این شیوه را به کار گیرند. توصیه های آن حضرت(ع) به مالک اشتر، به خوبی بیانگر این واقعیت است:

ثم تفقد أعمالهم و ابعث العيون من أهل الصدق والوفاء عليهم فإن تعاهدك في السر لأمرهم حدوداً لهم على استعمال الأمانة والرفق بالرعية و تحفظ من الأعوان ... (نهج البلاغه، بی تا: نامه ۵۳، ۴۳۵)

سپس همه کارهای کارگزارانت را تحت نظر بگیر و بازرسانی مخفی از کسانی که اهل صدق و وفا هستند بر آنان بگمار. زیر نظر داشتن پنهانی امور کارگزاران، آنان را به امانتداری و مدارا با رعیت وادار می سازد و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن...

نظارت مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد افراد، باعث می شود کارکنان با دقت بیشتری کار کنند و از کم کاری و کاستن از کیفیت پرهیزند؛ و اگر این گونه نظارت ها به شکل رویه درآید، کارکنان همواره این احتمال را می دهند که بدون اطلاع قبلی از کار آنان بازدید شود و عملکرد آنان زیر نظر قرار گیرد و این ذهنیت باعث می شود با جدیت و دقت کار کنند و از کم کاری پرهیزند و در نتیجه بهره وری به مقدار زیادی افزایش یابد. (خدمتی و دیگران، ۱۳۸۲: ۸۰)

۹.۸ تشویق و تنبیه عادلانه و به موقع

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در تقویت اخلاق کار، تشویق و تنبیه عادلانه و به موقع است.

آدمی فطرتاً تشویق را دوست دارد و از تنبیه بیزار است؛ و وجود چنین سیاستی در رفتار و عملکرد او تأثیر مثبت و منفی دارد.

از دیدگاه امام علی (ع)، همانطور که تشویق و قدردانی‌های به‌موقع، لازم و سازنده است، رعایت عدالت در امر تشویق نیز اهمیت فراوان و سرنوشت‌سازی دارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۷: ۱۴۸). آن حضرت (ع)، کارگزاران خود را به تمیز دادن و فرق نهادن میان نیکوکاران و بدکاران جامعه راهنمایی کرده است؛ زیرا تمیز دادن میان نیکوکاران و بدکاران و یکسان بودن ارج و قرب و منزلت آنان نزد والی، نیکوکاران را به بدکاری تشویق و بدکاران را به کارهای ناپسند مشتاق می‌کند:

و لایکونن المحسن والمسیء عندک بمنزلة سواء فإن فی ذلک تزهیدا لأهل الإحسان فی الإحسان و تدریبا لأهل الإساءة علی الإساءة. (نهج البلاغه، بی تا: نامه ۵۳، ۴۳۰)

مبادا نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان باشند؛ چه، برابر بودن آنان، نیکوکار را در انجام دادن کار نیک، کم‌انگیزه می‌کند و بدکار را به بدی جری می‌سازد.

اگر در مدیریت تشویق نباشد و افراد خادم مانند افراد خائن، در کنار یکدیگر و به‌طور مساوی از حقوق و مزایا و سایر تسهیلات بهره‌مند شوند، پس از مدتی این احساس در افراد به‌وجود می‌آید که کارهای خوب بی‌پاداش می‌ماند و کوشش‌های خالصانه برباد می‌رود و با این احساس، انگیزه کار بهتر و به‌کارگیری استعدادهای نهفته فلج می‌شود و نظام به سستی و نابودی می‌گراید. به طریق اولی، اگر تشویق‌ها غیر عادلانه، تبعیض‌آمیز و براساس حب و بغض مدیران صورت گیرد، در این حالت نیز کارمندان (و افراد زیردست)، بی‌اعتنا و به مدیر بی‌اعتماد می‌شوند و هرگونه صداقت و صمیمیت از بین می‌رود (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۷: ۱۲۷). از این رو است که امام علی (ع) در این باره می‌فرماید:

ثم اعرِف لکل امرئ منهم ما أبلی و لاتضیفن بلاء امرئِ إلی غیره و لاتقصرن به دون غایة بلاءه و لایدعونک شرف امرئِ إلی أن تعظم من بلاءه ما کان صغیرا و لاضعة امرئِ إلی أن تستصغر من بلاءه ما کان عظیما. (نهج البلاغه، بی تا: نامه ۵۳، ۴۳۴)

هر کس در هر کاری آزموده شده است، آن را به حساب خودش بگذار و زحمت و تلاش کسی را به دیگری نسبت مده و ارزش خدمت او را کمتر از آنچه هست، به حساب نیاور؛ و بزرگی شخص موجب نشود که کار کوچکش را بزرگ بشماری و نیز پستی کسی باعث نشود که خدمت پرارجش را کوچک به حساب آوری.

وقتی مسئولان و صاحبان کار به این نیاز روحی کارکنان توجه داشته باشند، با تشویق و تنبیه عادلانه، از یک سو روحیه کار و تلاش شایسته در نهاد آنان تقویت می شود و آنان، با دلگرمی، بیش از پیش در انجام وظیفه خود مصمم تر می شوند؛ و از سوی دیگر، این قبیل تشویقها باعث می شود افراد کاهل و کم تلاش و مسامحه کار به خود آیند و مانند افراد پرکار با شور و شوق بیشتری به عرصه کار و تلاش قدم بگذارند و در راه اهداف والای انسانی و الهی خود ترغیب شوند.

۱۰.۸ توجه به عواطف و احساسات

انسان آمیخته‌ای از احساسات، عواطف، اندیشه، خرد و دیگر استعدادها و نیروها و غرایز است؛ از این رو، رفتار اجتماعی افراد انسانی با یکدیگر بسیار حساس است (جعفری، ۱۳۸۳: ۷۸). بنابراین، از نیکوترین و اساسی‌ترین روش‌های تربیت، محبت کردن است که بیشترین تناسب را با فطرت آدمی و سرشت انسانی دارد. محبت، نیرویی برانگیزاننده و تحول‌آفرین است که اگر درست و به‌اعتدال به‌کار گرفته شود، در نزاهت آدمی و تحقق تربیت کمالی تأثیری شگفت دارد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۳۴۸)

خداوند انسان را به‌گونه‌ای آفریده که قلب او مسخر محبت است. امام علی (ع) در این باره می‌فرمایند:

قلوب الرجال وحشیة فمن تألفها أقبلت علیه. (نهج البلاغه، بی تا: حکمت ۵۰، ۴۷۷)

دل آدمی وحشی است، پس هرکس بدان الفت ورزد بدو روی کند.

دانستن این حقیقت که علاقه و محبت اطاعت‌آور است، از امور مهم در مدیریت به‌شمار می‌رود (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳: ۱۱۷). اساساً محبت است که تعهدآور است؛ و این تعهد و اطاعت فقط در دل ظهور نمی‌کند بلکه به نگاه و بینش، اعضا و جوارح، رفتار و کردار، مواضع و جهت‌گیری‌ها نیز سرایت می‌کند.

امام علی (ع) با رحمت و محبت به اداره خلق قیام کردند و اساس کار را بر آن گذاشتند؛ و در این راه، تا آنجا که امکان داشت، از رفق و مدارا و مهربانی و خوشرویی بهره می‌گرفتند و سخت‌گیری و تندى و خشم و شدت را در جایی به‌کار می‌بردند که جز آن راهی نبود و آن هم جلوه‌ای از رحمت و محبت ایشان بود. آن حضرت (ع) در این باره به بعضی از فرماندهان خود نوشتند:

فاستعن بالله على ما أهمك واخلط الشدة بضغت من اللين وارفق ما كان الرفق أرفق واعتزم
بالشدة حين لا تغني عنك إلا الشدة واخفض للرعية جناحك وابسط لهم وجهك و ألن لهم
جانبك. (نهج البلاغه، بی تا: نامه ۴۶، ۴۲۰)

پس در مشکلات از خدا یاری جوی، و درشت‌خویی را با اندک نرمی بیامیز! در آنجا
که مدارا کردن بهتر است، مدارا کن، و در جایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد، درشتی
کن! پر و بالت را برابر رعیت بگستران، و با مردم گشاده‌روی و فروتن باش!

بنابراین، برای فراهم کردن زمینه اطاعت‌پذیری افراد و انجام وظایف محوله به‌نحو
شایسته، باید اهرم محبت و عطوفت را به کار گرفت.

اینها بخشی از عوامل و زمینه‌هایی بود که در گرایش به اخلاق کار و رعایت اصول و
معیارهای آن مؤثر است. طبیعتاً عوامل و موارد دیگری نیز وجود دارد که توضیح درباره آنها
به مجال و فرصت بیشتری نیاز دارد که در فضای محدود این مقاله نمی‌گنجد.

۹. نتیجه‌گیری

کار بر اصول و معیارهایی اخلاقی استوار است، که از جمله آنها عبارت‌اند از: نظیر
خدامحوری، انضباط کاری، تعهدمداری، شایسته‌سالاری، کیفیت‌محوری، اتقان در عمل، و
مداومت. توجه به این موارد و به‌کارگیری آنها با مجموعه‌ای از عوامل و زمینه‌ها تقویت
می‌شود که از جمله آنها می‌توان به تقویت خداباوری و خدامحوری، توجه به شأن و جایگاه
حقیقی انسان، امانت‌انگاری کار، شناخت صحیح دنیا و آخرت، تأمین مالی، توجه به
کارآمدی و علائق افراد، نظارت، تشویق و تنبیه عادلانه، و توجه به عواطف و احساسات
کارکنان اشاره کرد. به این عوامل و زمینه‌ها در کلام امام علی (ع) توجه و بر آنها تأکید شده
است؛ عوامل و زمینه‌هایی که برای کسب نتیجه مطلوب و شایسته در کار و ایجاد زمینه
گرایش به اصول و معیارهای اخلاق کار باید آنها را تأمین و تقویت کرد.

منابع

قرآن کریم.

آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

ابن‌ابی‌الحدید، عزالدین ابو‌حامد (۱۳۳۷). *شرح نهج البلاغه*، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه
مرعشی نجفی.

- ابن مسکویه، احمد بن یعقوب (۱۳۷۱). *تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق*، قم: بیدار.
- ابن منظور، جمال الدین (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت: دارصادر.
- احسائی، ابن ابی جمهور (۱۴۰۵ق). *عوالی الآلی*، قم: سیدالشهداء.
- بلاذری، احمد بن یحیی (بی تا). *انساب الاشراف*، قم: دارالفکر.
- تودار، مایکل (۱۳۶۴). *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی کار و شغل*، تهران: سمت.
- جعفری، سیدمحمد مهدی (۱۳۸۳). *آموزش نهج البلاغه*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). *مبانی اخلاق در قرآن*، قم: اسراء.
- حافظ شیرازی (۱۳۷۷). *دیوان، تصحیح غنی - قزوینی*، تهران: ققنوس.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۰). *الحیة، ترجمه احمد آرام*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خدمتی، ابوطالب و دیگران (۱۳۸۲). *مدیریت علوی*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۲). *صحیفه امام*، تهران: بنیاد حفظ آثار.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵). *ماه مهرپرور*، تهران: دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (بی تا). *حکومت حکمت*، تهران: دریا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۳). *سیره نبوی*، دفتر سوم، تهران: دریا.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۶). *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان، دمشق: دارالعلم.
- شوشتری (تستری)، محمدتقی (۱۳۷۶). *بهبج الصباغه*، تهران: امیرکبیر.
- شهیدی، سیدجعفر (۱۳۶۲). *تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شیرازی، صدرالدین (بی تا). *الاسفار الاربعه*، قم: مصطفوی.
- صدوق، محمد بن بابویه (۱۴۱۳ق). *من لایحضره العقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- صدوق، محمد بن بابویه (۱۴۰۶ق). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم: دارالرضی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (بی تا). *اخلاق ناصری*، شیراز: علمیه اسلامیة.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۷۷). *آیین کشورداری*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلام.
- فرامرزی قراملکی، احد و رستم نوچه فلاح (۱۳۸۶). *موانع رشد اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها*، تهران: مؤسسه دین پژوهی بشرا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*، قم: هجرت.
- القیومی، احمد بن محمد (۱۳۷۵). *مصباح المنیر*، قم: مؤسسه دارالهجره.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲). *فلسفه اخلاق*، قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). *اسلام و مقتضیات زمان*، قم: صدرا.

۱۰۰ عوامل و زمینه‌های تقویت اخلاق کار از دیدگاه امام علی (ع)

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). بحارالانوارالجامعه لدرر الاخبار الاثمه الأطهار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسایل، قم: آل‌البيت.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). خودشناسی برای خودسازی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۰). بررسی اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۷). فلسفه الاخلاق فی الاسلام، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در نهج البلاغه، قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی (ع).
- مفید، محمدبن نعمان (۱۳۹۹ق). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- نراقی، ملامهدی (بی تا). جامع السعادات، قم: اسماعیلیان.
- نصری، عبدالله (۱۳۷۹). مبانی انسان‌شناسی در قرآن، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- نهج البلاغه (بی تا). تصحیح صبحی صالح، قم: دارالهجره.
- هادوی‌نیا، علی اصغر (۱۳۸۲). انسان اقتصادی از دیدگاه اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- هاشمی (۱۳۸۸).
- هندی، علاء‌الدین علی‌المتقی بن حسام‌الدین (۱۳۹۷ق). کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، تصحیح صفوه‌السقاء، بیروت: مکتبه التراث الاسلامی.